

«با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران»



مؤلف: محمد رضا شفیعی کدکنی

نوبت انتشار: چاپ دوم

محل نشر: تهران

ناشر: سخن

سال نشر: ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۷۶۱

منتقدان:

دکتر احمد رضایی جمکرانی  
دکتر عیسی امن خانی

پرتال جامع علوم انسانی

معرفی اثر

این کتاب از چند فصل اصلی تشکیل شده است؛ جدای از بحث مقدماتی، «چشم اندازی دیگر» فصلی است که کتاب با آن آغاز می‌گردد و در آن نویسنده دانشمند کتاب به بیان ریشه‌های تحول ادبیات معاصر و بویژه شعر فارسی می‌پردازد و از برخی مضامین رایج در این دوره همانند آزادی، مسأله زن و ... می‌گویند. فصل دوم به «پیشاهنگان تحول» اختصاص

## ۱۰۸ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

یافته، در آن از شخصیت‌های آغازگری چون آخوندزاده و میرزا ملکم صحبت می‌شود که در پیدایش ادبیات معاصر نقش غیر قابل انکاری داشته‌اند. «جای پای شعر فرنگی» شاید اصلی-ترین فصل این کتاب باشد که در آن دکتر شفیع‌کدکنی از تأثیرپذیری شاعران معاصر از شعرای غرب سخن می‌گویند و به بررسی نقش این تأثیرپذیری در پیدایش ادبیات معاصر می‌پردازند. «دگرگونی ساخت‌ها و صورت‌ها» نیز بیش‌تر به مباحثی چون بیانیه‌های ادبی این دوره و تأثیرات بلاغت شعر فرنگی اختصاص یافته است، هرچند که در میان آن باز از نهضت ترجمه و تأثیر شعر اروپایی نیز سخن گفته شده است. معرفی شخصیت‌های ادبی این دوره و نگاهی انتقادی به آثار آنان نیز زیر عنوان «از سنت به نوآوری» آمده است و در نهایت، کتاب با چند پیوست مانند مقاله معروف «تلقی قدما از وطن» به پایان می‌رسد.

### امتیازات شکلی و محتوایی اثر

حروف‌نگاری، صحافی و صفحه‌آرایی خوب است. طرح روی جلد متوسط است. قواعد عمومی نگارش و ویرایش رعایت شده است. تسلط نویسنده بر جریانهای شعری و ادبی معاصر ایران و غرب و شاعر بودن و اشراف ایشان بر رویکردها و وضعیت شعر و شاعران معاصر از جنبه‌های مثبت کتاب است. منابع و مراجع کتاب اصالت و اعتبار دارد و رعایت امانت و دقت علمی و بیان رسا برای تفهیم مطالب و انتقال به مخاطب از ویژگی‌های دیگر این اثر است. دقت در به کارگیری اصطلاحات تخصصی و معادلسازی‌های بجا و درخور اعتبار امتیاز کتاب افزوده است. مطالب درخشان در این کتاب کم نیستند که می‌توانند به این کتاب تشخص داده، آن را یکی از اصلی‌ترین منابع و مأخذ در زمینه ادبیات و شعر معاصر سازند. اگر خواسته باشیم به چند نمونه اشاره کنیم، این موارد شایان توجه خواهند بود:

#### ۱. معرفی جنبه‌های ادبی شخصیت‌هایی چون وثوق الدوله:

درباره شاعرانی چون عارف قزوینی، میرزاده عشقی و... تا کنون کتاب‌های مستقلی انتشار یافته است و آنچه که دکتر شفیع‌کدکنی در خصوص آنها می‌نویسند، شاید تازگی خاصی نداشته باشد؛ شاعرانی هستند که کم‌تر شناخته شده و یا ناشناخته‌اند و آنچه ایشان در این کتاب درباره آنها می‌نویسند، حائز اهمیت است.

## با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر ... ۱۰۹

آنچه مایه شگفتی است، اشاره دکتر شفیعی کدکنی به جایگاه ادبی کسانی چون وثوق‌الدوله است. آنچه درباره این شخصیت نه چندان خوش‌نام می‌دانیم، عموماً جنبه سیاسی اوست؛ اما نویسنده فرهیخته کتاب از ساحت دیگر او (هرچند به اختصار) پرده بر می‌دارند. این داوری کوتاه کافی است تا انگیزه‌ای باشد برای جست‌وجو و تفحص در دیوان این شاعر سیاستمدار دوره مشروطه. ایشان درباره وثوق‌الدوله می‌نویسند: «یکی از شعرای این دوره که با ادبیات غرب آشنایی بسیار عمیقی داشته و در جهت انتقال بعضی نمونه‌ها به شعر فارسی بسیار موفق بوده است وثوق‌الدوله (۱۲۵۴-۱۳۲۹ ه.ق) است. وی که سیاستمداری ورزیده و به علت قرارداد معروف مورد نفرت عامه مردم ایران بوده است، در شعر مقام بسیاری والایی دارد. در بافت تاریخی عصر خودش یکی از سه چهار شاعر توانا به شمار می‌رود و بعضی از قصاید او نمونه‌های برجسته شعر مشروطیت و دوره بعد از فرمان مشروطیت به شمار می‌رود» (همان: ۵۷۹).

### ۲. معرفی بسیاری از سرچشمه‌های الهام شاعران معاصر:

یکی از بسیار ویژگی‌های دکتر شفیعی کدکنی آشنایی عمیق با چند زبان زنده دنیا چون عربی، انگلیسی و گویا فرانسه است. این آشنایی سبب شده است تا ایشان با شعر اروپایی و عربی نیز آشنا باشند و همین زبان‌دانی ایشان است که در فصل «جای پای شعر فرنگی» عصای دستشان شده است. دکتر شفیعی کدکنی در این فصل کوشیده‌اند تا سرچشمه الهام شعرهای دوره مشروطه تا سال‌های انقلاب را بیابند. مثلاً درباره شعرهای یدالله رویایی می‌نویسند: «در همین سال‌ها یدالله رویایی (متولد ۱۳۱۰) مجموعه بر جاده‌های تهی را نشر داده است که در آن «پشت پنجره» فکری است از پوشکین، ص ۶۸ و «چنار» فکری از پل والری، ص ۱۴۶، و «فقیر و سگش» از ادبیات فرانسه اقتباس شده است، ص ۲۶۳ ...» (همان: ۲۲۳) این تلاش بسیار برای یافتن سرچشمه الهام شاعران تا حد بسیار زیادی وابسته به فرضیه کتاب با چراغ و آینه است؛ زیرا فرض این کتاب این است که «تمام تحولات و بدعت‌ها و بدایع شعر مدرن ایران تابعی است از متغییر ترجمه در زبان فارسی» (همان: ۲۵)

۳. در نهایت اینکه این کتاب در اصل محلی است که بسیاری از مقالاتی که دکتر شفیعی کدکنی در این سه دهه در باب ادبیات نوشته، در مجلات مختلف چاپ کرده‌اند، گردآوری شده

است. این کتاب محققان ادبیات معاصر را از جست‌وجوی بسیار آسوده کرده، دیدگاه شفيعی کدکنی درباره ادبیات معاصر را آينگی می‌کند.

### اشکالات شکلی و محتوایی اثر

با تمامی این محاسن، کتاب با چراغ و آینه به نظر ضعف‌هایی نیز دارد که از نگاه خوانندگان خود و بخصوص آنان که به ادبیات معاصر و تحولات آن حساس‌ترند، پنهان نمی‌ماند. برخی از این کاستی‌ها به راحتی می‌توانست نباشند اما برخی دیگر روش پژوهش و نظریه اصلی و تز کتاب (نقش ترجمه در پیدایش شعر معاصر) را به چالشی جدی می‌کشند. مهم‌ترین این کاستی‌ها عبارتند از:

#### ۱. آشفتگی برخی از فصول:

دکتر شفيعی کدکنی در آغاز، خود به برخی از دلایل آشفتگی کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید که این کتاب در اصل حاصل یادداشت‌های سی ساله اوست و طرح مشخص و از پیش اندیشیده‌ای نداشته است و حتی چه بسا تناقضاتی نیز در آن باشد؛ اما حتی اگر این موارد (تناقض‌ها و نبود یک طرح از پیش مشخص) را نیز نادیده بگیریم، باز مواردی هستند که اولاً سبب آشفتگی ذهن خوانندگان کتاب می‌شوند و ثانیاً این موارد به راحتی می‌توانستند برطرف گردند. به عنوان نمونه در فصل «چشم انداز دیگر» چنین به نظر می‌رسد که شفيعی کدکنی می‌کوشد تا به تحلیل ریشه‌های پیدایش مدرنیته ایرانی و زمینه‌های پیدایش ادبیات و شعر معاصر بپردازد، به همین خاطر مطالبی را ذیل عناوینی چون دگرگونی در نهادهای اجتماعی، دگرگونی در اقتصاد و اصلاحات عباس میرزا می‌آورد که چنانکه می‌دانیم در تغییر جامعه سنتی ایران و گذر آن به دنیای مدرن نقش داشته است؛ اما بلافاصله و بدون اینکه توضیحی داده شود عناوینی چون آزادی، آرمان ملی، میهن پرستی، اندیشه اتحاد اسلامی، نقد خرافات، مسئله زن و... می‌آید که مشخص نیست اینها مانند اصلاحات عباس میرزا و دگرگونی در نهادهای اجتماعی - اقتصادی از زمینه‌های پیدایش مدرنیته ایرانی است و یا اینکه مضامینی هستند که با مدرنیته ایرانی در فضای فکری آن روزگار رایج شدند. در کتاب‌هایی که به مشروطه و ادبیات آن پرداخته شده است، موارد اخیر نه به عنوان زمینه‌های پیدایش مدرنیته ایرانی بلکه

## با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر ... ۱۱۱

به عنوان مضامین رایج در این دوره آمده‌اند و این متمایز نساختن می‌تواند سبب آشفتگی ذهنی خوانندگان این کتاب شود. این نوع آشفتگی در جاهای دیگر کتاب نیز خود را نشان داده است؛ در فصل «سفر از سنت به نوآوری» که در آن دکتر شفیع‌کدکنی به معرفی شخصیت‌های ادبی و شاعران این دوره (پروین، عارف و ...) پرداخته است، به ناگاه با عناوینی چون «شعر جدولی» و «شعر در وزن هجایی» روبه‌رو می‌شویم که هیچ تناسبی با مباحث این فصل - که بررسی چهره‌های شعری این دوره است - ندارد.

### ۲. فقر تاریخی‌گری:

یکی از اصلی‌ترین ضعف‌های این کتاب، فقدان رویکرد تاریخی آن است؛ تا آنجا که می‌توان گفت توصیف، بیش‌ترین سهم را در بیان مطالب این کتاب داشته‌است. این امر شاید به خودی خود ضعف به شمار نیاید، بویژه اینکه در ایران کم‌تر به این رویکرد توجه شده و می‌شود؛ اما زمانی که نویسنده دانشمند کتاب، بارها بر تاریخ و «نقش تاریخی» تأکید فراوان کرده، می‌نویسد: «غفلت از نقش تاریخی یک اثر و جانب حیات ارگانیک آن و خیره شدن در اجزای سازنده ساخت و صورت آن، مهم‌ترین عامل گول‌زننده نسل‌هایی است که در هر عصری خود را تباه کرده‌اند». می‌توان از ایشان پرسید که چرا خود در عمل به رویکرد تاریخی چنین بی‌تفاوت اند و فقط گاهگاهی از آن بهره می‌گیرند. البته به نظر نویسنده این نقد، آنچه دکتر شفیع‌کدکنی از روش تحقیق تاریخی در نظر دارند با آنچه امروزه در علوم انسانی، بویژه در جامعه‌شناسی، فلسفه، مطالعات فرهنگی و... به کار می‌رود، تفاوت اساسی دارد. مثلاً جایی که ایشان می‌گویند «نقش تاریخی در مجموع چیزی نیست جز معنا و رنگ و بویی که هر شعر از بافت تاریخی خویش می‌گیرد. اگر جای شعر را در زنجیره تاریخ پس و پیش کنیم - که البته این فقط در ذهن و در عالم خیال قابل تصور است و در عالم خارج تحقق‌پذیر نیست - آن شعر می‌تواند ارزش متفاوتی پیدا کند.» تا حدودی به روش تاریخی نزدیک می‌شوند؛ اما زمانی که می‌نویسند: «گاه یک شاعر نیز در مجموع دارای نقش تاریخی است مثل سنایی و در عصر ما نیما» با تأکید بر سوژه آگاه (نیما، سنایی و...) از رویکرد تاریخی فاصله می‌گیرند و زمانی که نقش تاریخی را موهبتی الهی می‌دانند به کلی در مقابل نظریه تاریخی می‌ایستند؛ اما آنگاه که نام افلاطون را به میان می‌آورند تا نشان دهند که «نقش تاریخی را هیچ ناقدی

## ۱۱۲ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

گیرم افلاطون به طور نظری نمی‌تواند کشف یا پیش‌بینی کند. این را مردم زمانه و ادوار تاریخ عملاً کشف می‌کنند و بس درست در جهت مخالف رویکرد تاریخی گام بر می‌دارند زیرا افلاطون همان فیلسوفی است که تاریخ‌گرایان کینه‌ای بی‌پایان از او بر دل دارند و کوششان همواره اثبات نادرستی اندیشه‌های او بخصوص تئوری عالم مُثُل بوده است». نام بردن از افلاطون آن هم با لحنی فروتنانه در بخشی که سخن از نقش تاریخی است، نه تنها تناقضی است بزرگ، بلکه نشان از برداشت متفاوت دکتر شفیعی کدکنی از تاریخ و رویکرد تاریخی دارد؛ برداشتی که البته خود هرگز به شکلی منسجم به بیان آن نمی‌پردازند. اما پیش از آنکه به نشان دادن این ضعف (نبود نگاه تاریخی) بپردازیم، به معرفی مختصر این رویکرد خواهیم پرداخت.

رویکرد تاریخی قدمت و سابقهٔ چندانی ندارد و می‌توان از نیچه، فیلسوف آلمانی، و آثار او مانند تبارشناسی اخلاق به عنوان یکی از چهره‌های آغازین این رویکرد یاد کرد. اساس این رویکرد را باوری شکل می‌دهد که بر پایهٔ آن حقایق، مفاهیم و... موضوعاتی تاریخی و زمان و مکان مند می‌باشند که با تغییر شرایط تاریخی و زمانی و مکانی، آنها نیز تغییر خواهند کرد. به نوعی این دیدگاه هیچگونه ذات ثابت و پایداری برای حقایق و مفاهیم قائل نیست. این رویکرد در واقع واکنشی است به دیدگاه‌های غیرتاریخی گذشتگان و فلاسفه‌ای چون افلاطون. گذشتگان بر این باور بودند که حقایق و مفاهیم اموری ازلی و ابدی و بیرون از بُعد زمانند که گذر زمان و تغییر مکان نمی‌تواند تأثیری بر آنها داشته باشند و به نوعی آنها را اموری جهانشمول می‌دانستند که در هر زمانی و مکانی یکسانند، چنانکه مثلاً مقولات کانتی چنین خصلتی داشتند؛ یا ارسطو قوانین منطق را جهانشمول تصور می‌کرد. اوج این اندیشه و یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان آن افلاطون است که با ارائهٔ نظریهٔ عالم مُثُل خویش - عالمی که بیرون از زمان و مکان است - ذات‌تغییری‌ناپذیری برای حقایق و مفاهیم در نظر می‌گرفت.

بنابر رویکرد تاریخی - که نیچه، فوکو، کوهن معروف‌ترین مروّجان آن بوده‌اند - باید از شرایط تحقق تاریخی سخن گفت که سبب پیدایش/ نابودی یا منطقی/ غیر منطقی بودن مفاهیم و گزاره‌ها در هر عصری شوند. اگر خواسته باشیم از ادبیات مثالی ذکر کرده باشیم می‌توان به پیدایش رمان و یا گزارهٔ برابری مردان و زنان اشاره کرد. در رویکرد تاریخی تلاش می‌شود تا

### با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر ... ۱۱۳

بدان گفتمان و چهارچوبی دست یافت که سبب پیدایش رمان و یا معنادار و منطقی شدن گزاره‌ی برابری مردان و زنان می‌شود و نه کسانی که اولین بار رمان را نوشته‌اند و یا از برابری زن و مرد سخن گفته‌اند (این رویکرد مدعی مرگ فاعل و سوژه‌ی انسانی است) با توجه به این رویکرد رمان ژانری تاریخی (و نه ازلی - ابدی) است و پیدایش آن تنها در شرایط خاص زمانی و مکانی عصر مدرن امکان پذیر است؛ همانگونه که گزاره‌ی برابری مردان با زنان، گزاره‌ی ای جهانشمول نبوده و تنها در گفتمان مدرن منطقی جلوه نموده است و چه بسا که فلاسفه و منطق‌دانان گذشته آن را غیر منطقی می‌دانستند.

با توجه به این مقدمات می‌توان گفت که دکتر شفیعی‌کدکنی در این کتاب و برخلاف گفته‌ی خویش عمدتاً رویکردی غیر تاریخی داشته است و اگر سخنی یا تأکیدی بر نقش تاریخی و ... دیده می‌شود، عمدتاً تاریخ به معنایی که ذکر کردیم نیست.

از دیگر کاستی‌های کتاب می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- عدم مطابقت تمام مباحث و فصل‌های کتاب با هدف نویسنده (صرفاً فصل چهارم و پنجم کتاب با ادعای نویسنده و هدف کتاب مطابقت دارد. یعنی جای پای شعر فرنگی و دگرگونی ساخت و صورت.
- افراط و یکجانبه‌نگری مولف در نشان دادن سیطره نقش شعر فرنگی در شعر معاصر ایران
- کم‌عنایتی به برخی منابع ایرانی در اینخصوص از جمله تاریخ تحلیلی شعر نو و ...
- فقدان نظم سراسری در کتاب (بیشتر مبحث کتاب مقالات ادوار گذشته مولف است که در این اثر در کنار هم نشسته‌اند)
- شتابزدگی یا کم‌عنایتی و عدم رعایت بی‌طرفی درباره شاعرانی چون آتشی، کسرای، نادرپور و ... .

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این اثر به دلیل دانش فوق‌العاده نویسنده‌اش، می‌تواند پایانی باشد بر تحقیقاتی که می‌کوشند تنها بر اساس اسناد و با همان شیوه‌های سنتی و بدون در نظر گرفتن رویکردهای تاریخی به ترسیم ادبیات معاصر بپردازند. این کتاب (هنگامی که با آثار پیش‌تر نوشته‌شده در این زمینه

## ۱۱۴ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

- مقایسه شود) ثابت می‌کند که حرف تازه بسیاری که گذشتگان و نویسندگان پیشین نگفته باشند، نیست و یا بسیار نیست. به تعبیری دیگر با رویکردهای سنتی نمی‌توان گامی پیش‌تر نهاد و اگر می‌خواهیم زوایای پنهان مانده ادبیات معاصر را بشناسیم، باید با چشمی دیگر و رویکردی دیگر (مثلاً رویکرد تاریخی البته در معنای دقیق آن) به این کار مبادرت نماییم. پیشنهاد می‌شود در چاپ بعدی موارد زیر مورد نظر قرار گیرد:
۱. توجه به شاعرانی که در این اثر یا سهم آنها بکلی فراموش شده است یا ناچیز شمرده شده است.
  ۲. طرح فرضیه‌های رقیب در باره ادعای اصلی اثر و بحث و فصل و تحریر محل نزاع در این باره
  ۳. پرهیز از افراط و یکسونگری در نشان دادن و ترسیم سیطره فرهنگ و هنر و بلاغت غربی در شعر معاصر ایران
  ۴. تطبیق بیشتر محتوای کتاب با ادعای اصلی نویسنده و حذف مطالب کم ارتباط یا نامرتبط
  ۵. ایجاد نظم و انسجام بیشتر در سراسر کتاب.